

بهار معبر

رجب المرجب شعبان المعظم
رمضان المبارک

بیانات حجت الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری

نماینده مقام معظم رهبری در اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان

پیرامون تقارن بهار معنویت و بهار طبیعت

- جلوه‌گری آیات الهی در فصل بهار
- بهره توحیدی انسان مؤمن از بهار
- توقع خداوند از مؤمنان در بهار طبیعت
- تلاقی بهار طبیعت و بهار معنویت
- اهمیت حفظ حرمت ماه رجب، شعبان و رمضان
 - اقدام اول سالک
 - اقدام دوم سالک
 - اقدام سوم سالک
- عنایت خداوند به کسی که ماه رجب و شعبان و رمضان را بزرگ دارد
 - رجب، ماه خدا

به گونه‌های مختلف آثار و جابجایی آن دانسته‌ام که منظور تو از من این است که من تو را در هر چیز بشناسم تا به تو در هیچ چیز جاهل نباشم». آیات و نشانه‌ها و جلوه‌ها در بهار فراوان است. معمولاً در ادبیات عرفانی ما، از این نشانه‌ها به زلف تعبیر می‌کنند.

این یک طرف است و طرف دیگر هم تطور فوق العاده و انقلاب محسوسی است که در طبیعت رخ می‌دهد. حضرت فرمودند من از همه‌ی اینها این را دانستم که خواسته‌ای خودت را به من نشان دهی و معرفی کنی تا من در هیچ چیزی تو را گم نکنم و از تو غافل نشوم.

این البته در همه‌ی فصول هست و ناظر به آیات آفاقی در همه‌ی فصول است؛ چنان‌که ناظر به

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمند

جلوه‌گری آیات الهی در فصل بهار

فصل بهار حاوی اشارات و الهامات فراوانی برای اهل معرفت است. خدای متعال، یک نمایشگاه بسیار بزرگ از جلوه‌های اسماء خودش را در منظر دید سالکین قرار می‌دهد. بهار این گونه است و شما به هر جا نگاه می‌کنید، با جلوه‌های گوناگون اسماء الهی روبرو هستید. حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در قطعه منسوب به ایشان در مناجات عرفه، تعبیرشان این است که: «إِلَهِي عَلَّمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَ تَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ؛ خدای من با توجه

بهرتر مشاهده و دریافت می‌شود.

بهره توحیدی انسان مؤمن از بهار

بهار یک فرصت بسیار مغتنم است. انسان سالک، هم برداشت‌های مبدئی دارد و هم برداشت‌های معادی. «كَذَلِكَ الْخُرُوجُ؛ [۲] رستاخیز [نیز] چنین است» و «كَذَلِكَ النُّشُورُ؛ [۳] رستاخیز [نیز] چنین است» به این مطلب اشاره دارد که قیامت عین همین بهاری است که جلوی چشم شما است و چیز عجیبی نیست. جالب است که در بهار، این اتفاق به صورت ناگهانی و جهشی رخ می‌دهد. قرآن به این مطلب به این صورت اشاره کرده است: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ؛ [۴] و زمین را خشکیده می‌بینی [و] چون آب بر آن فرود آوریم، به

آیات انفسی در همه‌ی حالات است. قرآن نیز می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَيَسَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ؛ [۱] به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی‌گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است». اما بهار اوج این ارائه‌ها و جلوه‌گری‌ها است. نام مقدس الْمُحْيِي را می‌شود در آینه‌ی بهار به تماشا نشست؛ و همچنین نام مقدس «الرَّحْمَن»، «الرَّحِيم» «اللَّطِيف» و «الْجَمِيل».

هنگامی که لطافت و طراوت یک غنچه یا یک گل تازه یا یک برگ تازه را که جوانه می‌زند، مشاهده می‌کنید، خیلی بهتر می‌شود این اسماء الهی را درک و مشاهده و حس کرد. نام مقدس «الْبَدِيع» و «الْمُعْطَى» و «الْكَرِيم» هم همین‌طور است و در بهار

همین قدر است؛ زیرا: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» [۶] از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافلند». فهم و برداشت اینها در همین حد ظاهری است. این مقدار فهم را که حیوانات هم دارند. اما از من و شما، خدای متعال توقع دارد که عقلمان را بیاوریم و حاضر کنیم. اگر عقل انسان حاضر شود، عبور از ظاهر به باطن رخ می‌دهد و انسان به معنای دقیق کلمه سالک می‌شود. این چیزی است که در اصطلاح قرآنی از آن به «عبرت» تعبیر می‌شود. خدای متعال از انسان توقع عبرت در برابر آیات را دارد و عبرت هم دقیقاً به معنای عبور از ظاهر به باطن است. اگر شما موفق شدید سلوک عقلی داشته باشید، محصولش عبرت است و محصول نهایی آن هم وصال و لقاء و

جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند و از هر نوع [رستنی‌های] نیکو می‌رویاند». یک باره رویش اتفاق می‌افتد و قیامت هم عین همین است. آنهایی که در قیامت شک دارند، بهار را بینند. هر سال هم خدای متعال این را پیش چشم شما تکرار می‌کند.

توقع خداوند از مؤمنان در بهار طبیعت

خداوند تبارک و تعالی از ما توقع دارد عقلمان را به صحنه‌ی طبیعت ببریم. هم خودمان برویم و هم عقلمان را با خودمان داشته باشیم. بعضی‌ها به سمت طبیعت می‌روند، اما فاقد العقل هستند و عقلشان محجوب و خواب است. نصیب اینها غیر از برداشت‌های ظاهری و حیوانی نیست. به تعبیر قرآن: «ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ» [۵] این منتهای دانش آنان است». برداشت اینها

و سه ماه دارد که یکی از یکی زیباتر، باطراوت‌تر، بافضیلت‌تر، پرآیه‌تر و پربارتر است. با رجب المکرم شروع می‌شود و با شعبان المعظم ادامه پیدا می‌کند و به رمضان المبارک می‌رسد. بهار در بهار می‌شود! همان طور که شما برای بهار طبیعت آماده می‌شوید و رسوم نوروزی، مثل خانه‌تکانی و صلح ارحام دارید که مورد تأیید شرع هم هست، برای استقبال از این بهار هم باید آماده شوید و به استقبالش بروید. انسان اینجا هم باید خانه‌تکانی کند و دل و ذهنش را آماده سازد و تمنا را در خودش شکل دهد، برای استقبال از بهار معنوی و معنویتی که پیش رو است.

اهمیت حفظ حرمت ماه رجب، شعبان و رمضان

من روایتی می‌خوانم که فصلی است و کاملاً با بحث

دیدار است. انسان با خدای متعال ملاقات و دیدار می‌کند و به ملاقات حضرت حق می‌رود. این مقدار اگر نباشد، حکایت از تنبلی و بی‌عاری دارد. این پا را خدای متعال داده تا انسان حرکت کند و سیر کند و بعد هم عقلش را با تفکر به حرکت درآورد؛ چراکه حرکت عقل هم فکر است. هم قدم جسمی و هم قدم عقلی اگر به حرکت بیاید، آن وقت چه خواهد شد؟! از این سفره‌ی پر فیض و پر برکت و باطراوت بهره‌مند می‌شوید. این نکته‌ی اول بود.

تلاقی بهار طبیعت و بهار معنویت

نکته‌ی دوم اینکه امسال ما تلاقی دو بهار داریم که خیلی شیرین است که آن هم یک فصل است

کسی که حرمت آن دو ماه را بشناسد - یعنی عارف به عظمت و ویژگی‌ها و آداب آنها باشد و حرمتشان را بشناسد و حقشان را ادا کند - و آنها را به ماه مبارک رمضان وصل کند، این سه ماه، در قیامت، برای او شهادت می‌دهند..

بعد حضرت، سیما و تصویر قیامتی مسئله را ارائه کردند و فرمودند: «وَيُنَادِي مُنَادٍ يَا رَجَبُ يَا شَعْبَانَ وَيَا شَهْرَ رَمَضَانَ كَيْفَ عَمِلَ هَذَا الْعَبْدُ فِيكُمْ وَكَيْفَ كَانَتْ طَاعَتُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟». از اینجا معلوم می‌شود که این ماه‌ها دارای هویت مستقل و حیات باطنی و شعور هستند. در این عالم همه چیز شعورمند است؛ هم زمین و هم زمان. منادی این ماه‌ها را خطاب می‌کند و می‌گوید این بنده‌ی ما در شما چگونه عمل کرد؟ چگونه با شما رفتار کرد؟

تناسب دارد و جذاب است.

از پیامبر عزیزمان نقل شده است که فرمودند: «إِنَّ مَنْ عَرَفَ حُرْمَةَ رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ وَ وَصَلَهُمَا بِشَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرَ اللَّهِ الْأَعْظَمِ شَهِدَتْ لَهُ هَذِهِ الشُّهُورُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ كَانَ رَجَبٌ وَ شَعْبَانُ وَ شَهْرُ رَمَضَانَ شُهُودَهُ بِتَعْظِيمِهِ لَهَا». [۷]

روایت با معرفت شروع شده است. یعنی معرفت حرمت یعنی جایگاه و شأن و رتبه و بزرگی رجب و شعبان. جالب است در این روایت بین رجب و شعبان با ماه رمضان فرق گذاشته شده است. جالب است که رجب و شعبان به تنهایی یاد می‌شود، اما به رمضان که می‌رسد، می‌گوید: «شَهْرُ رَمَضَانَ». در روایت دیگر است که رمضان نام خدا است؛ بنابراین بگویید: «شَهْرُ رَمَضَانَ». [۸]

برای این بنده در قیامت رقم می‌خورد. این جملاتی که رجب و شعبان و رمضان می‌گویند، دارد راهنمایی می‌کند که در این ماه‌ها بنده‌های عارف چه کار می‌کنند و وقتی از زبان فرشته‌ها می‌شنوید، تکمیل می‌شود.

اقدام اول سالک:

این ماه‌ها دارند صحبت می‌کنند و می‌گویند: «مَا تَزُوْدُ مِنَّا إِلَّا اسْتِعَانَةٌ عَلٰی طَاعَتِكَ» یعنی این بنده‌ها در جستجوی توان بودند برای طاعت تو. یعنی در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان توان‌یابی کردند برای طاعت. معلوم می‌شود خدای متعال در این سه ماه، بندگان خود را برای راه یافتن به مقام شامخ طاعت اعانه و یاری می‌کند. توشه چیست؟ توشه‌ی این سه ماه برای سالک، این توان دادن به او است. ویژگی این بنده‌ها این است که به خاطر

طاعتش در شما چگونه بود؟ رجب و شعبان و رمضان به سخن می‌آیند و پاسخ می‌گویند: «فَيَقُولُ رَجَبٌ وَ شَعْبَانُ وَ شَهْرُ رَمَضَانَ: يَا رَبَّنَا مَا تَزُوْدُ مِنَّا إِلَّا اسْتِعَانَةٌ عَلٰی طَاعَتِكَ وَ اسْتِمْدَادًا لِمَوَادِّ فَضْلِكَ، وَ لَقَدْ تَعَرَّضَ بِجُهْدِهِ لِرِضَاكَ، وَ طَلَبَ بِطَاقَتِهِ مَحَبَّتَكَ».

دوستان که اهل نکته و دقیق هستند عنایت دارند که ما دو پاسخ اینجا داریم. یکی شهادت خود این ماه‌ها درباره‌ی این بنده است که شناخته و رعایت کرده و دوم هم شهادت فرشتگان موکل به ماه‌های رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان است که خدای متعال جداگانه از آنها هم نظر می‌خواهد. جمع نظر این ماه‌ها و فرشتگان موکل، نتیجه‌اش می‌شود وضعیت خاصی که

معرفت و شناختی که داشتند، از این ماه‌ها کمک گرفتند. کنید. بین ما و این ماه‌ها نفس‌هایی است و ممکن است این نفس برای کسی نباشد.

اقدام دوم سالک:

اقدام سوم سالک:

سومین مورد «وَلَقَدْ تَعَرَّضَ بِجُهْدِهِ لِرِضَاكَ»؛ خدا یا ما شهادت می‌دهیم که این بنده‌ی تو با تمام توان خودش سعی کرد تو را راضی کند. «وَطَلَبَ بِطَاقَتِهِ مَحَبَّتَكَ» تمام توان و طاقت خود را آورد تا به محبت تو برسد و باب دوستی با تو را باز کند.

اینها سخن این سه ماه بود که عبارت از استعانت و استمداد و تعرض و طلب بود؛ استعانت برای طاعت؛ و استمداد در بهره‌برداری از مواد فضل و از آن اضافه‌ها و زیاده‌های مجانی که باید بخواهی؛ و تعرض یعنی خود را در معرض رضای الهی قرار دادن با جهد و کوشش و

دومین مورد «وَاسْتَمْدَاداً لَمَوَادِّ فَضْلِكَ» که تعبیر خیلی جالبی است. بنده‌ها در این ماه استمداد خواستند و یکی از توشه‌هایشان مددیابی است که خیلی نزدیک توان‌یابی است؛ منتها تنوعی است برای تعبیر لطیفی که اینجا هست. استمداد داشتند برای ماده‌هایی که تو از فضل خودت آماده کرده بودی. معلوم می‌شود که در این سه ماه، علاوه بر آن اعانات، از فضل خدای متعال، سفره‌هایی انداخته شده و به طور خاص آماده شده است.

اینها را می‌گویم تا این شب‌ها به درگاه خدای متعال بروید و تضرع کنید تا به شما عمر دهد و این ماه‌ها را درک

شده بود. تقلب یعنی از حالی به حال دیگر شدن. فرشته‌های موکل می‌گویند می‌دیدیم در رکوع بود و به سجده می‌رفت و در صوم و تلاوت و خدمت‌رسانی به بندگان بود. پیگیر آرمان‌های ولی تو و در پی تحصیل رضای حجت تو بود. از این طاعت به آن طاعت و از این ذکر به آن ذکر و از این عمل به آن عمل. معنای این آن است که انسان باید خودش را در وجوه طاعات غرق کند؛ نه اینکه از کنار طاعت‌ها رد شود و برداشتی بکند. گاهی انسان در کنار ساحل قدمی می‌زند و نفسی می‌کشد و تماشایی می‌کند و نسیمی به او می‌خورد؛ اما این کافی نیست. از این روایات استفاده می‌شود که انسان باید در رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، خودش را در دریای طاعت الهی غرق کند.

تلاش که این کوشش هم عمدتاً شامل استغفار و روزه و احسان می‌شود؛ و طلب یعنی افتادن به دنبال دوستی و جلب محبت خدا و ورود به رفاقت خدای متعال.

عنایت خداوند به کسی که ماه رجب و شعبان و رمضان را بزرگ دارد

از این به بعد خدای متعال به فرشته‌های موکل رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان خطاب می‌کند و نظر آنها را می‌خواهد.

«فَيَقُولُونَ يَا رَبَّنَا صَدَقَ رَجَبٌ وَ شَعْبَانٌ وَ شَهْرُ رَمَضَانَ»
 فرشته‌های موکل می‌گویند: رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان در مورد این بنده راست گفتند.

«مَا عَرَفْنَاهُ إِلَّا مُتَقَلِّبًا فِي طَاعَتِكَ»
 آنچه ما از این بنده تو فهمیدیم، این بود که غرق در طاعت تو

«مُجْتَهِدًا فِي طَلَبِ رِضَاكَ»؛ این بنده‌ی تو برای تحصیل رضای تو، تمام کوشش خود را به خرج داد. مجتهد و اجتهاد به معنای استفراغ الوسع است. کلمه‌ی استفراغ در فارسی خیلی خوب نیست و ما خیلی استفاده نمی‌کنیم؛ اما استفراغ الوسع یعنی کسی که تمام وسع و توان خود را استفاده کند و به میدان بیاورد. یک کوشش عادی نیست و اجتهاد می‌خواهد. حالا فرشته‌ها دارند این بنده‌ی موفقی را معرفی می‌کنند تا در قالب این حدیث تصویری به زبان پیامبر اعظم (ص) بیاید و به من و شما برسد تا بدانیم که اگر بخواهیم در این سه ماه موفق عمل کنیم، چه باید بکنیم. فرشته‌ها می‌گویند ما دیدیم که ایشان تمام توان خود را برای رسیدن به رضای تو به کار گرفته است.

«صَائِرًا فِيهِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْإِحْسَانِ»؛ صائر یعنی شتابنده، کسی که حرکتی پر شتاب و قوی دارد. ما دیدیم که ایشان در این ماه‌ها پر شتاب به سمت برّ و احسان حرکت می‌کند. هر جا برّ و احسانی باشد، او به سمت آن می‌رود.

«وَلَقَدْ كَانَ يُوصِلُهُ إِلَى هَذِهِ الشُّهُورِ فَرِحًا مُبْتَهَجًا»؛ ما دیدیم ایشان در وصال این ماه‌ها سراپا غرق شادمانی است و مثل داماد یا عروسی است که به حجله می‌رود. تعبیر «فرحاً» یعنی غرق شادمانی و ابتهاج. حالت رقص معنوی را می‌گویند و آن گشادگی و شکفتگی که از نظر روانی برای انسان فراهم می‌شود.

«أَمَلٌ فِيهَا رَحْمَتَكَ»؛ ما دیدیم این فرد شادی‌کنان و کف‌زنان و دهل‌زنان به سمت این ماه‌ها

فارسی فرق می‌کند. در فارسی رأی را سه قسمت می‌کنیم و می‌گوییم یا قبول کرد یا رد کرد یا ممتنع بود؛ یعنی فرقی نمی‌کند یا یک حالت اعتراضی است. درحالی‌که امتناع در اینجا به معنای کفّ نفس و خودداری به تمام معنا است؛ گرچه در فارسی هم شاید به معنای خودداری از ابراز نظر باشد. به هر حال می‌فرماید از آنچه تو منع کرده بودی، کاملاً خود را حفظ کرده بود.

«وَإِلَىٰ مَا نَدَبْتَهُ إِلَيْهِ فِيهَا مُسْرِعًا»؛ در آنچه تو پسندیدی و تشریح کردی، تسریع می‌کرد. در روزه و اعتکاف و تلاوت مسرع بود و در انجام آنها سرعت داشت.

«لَقَدْ صَامَ بَاطِنُهُ وَفَرَجِهِ وَ سَمِعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ سَائِرِ جَوَارِحِهِ»؛ ما شهادت می‌دهیم

آمد. این طور از این ماه‌ها استقبال کرد که نمایندگان فیض و فضل و لطف و کرم تو بودند. سراپای او غرق آرزوی رحمت تو بود و آرزوی رحمت تو را داشت.

«وَرَجَا فِيهَا عَفْوًا»؛ به تعبیر ما با یک دنیا امید به سمت بخشش تو آمده بود. در این ماه‌ها همه‌ی گناهان آمرزیده می‌شود و همه‌ی کمی‌ها تکمیل می‌شود و همه‌ی کژی‌ها راست. قلب چنین بنده‌ای مملو از امید به عفو و مغفرت تو بود. دارد آیین ورود به بهار معنویت را یاد می‌دهد.

«وَكَانَ مِمَّا مَنَعَتْهُ فِيهَا مُمْتِنِعًا»؛ ایشان در این ماه‌ها از آنچه که تو منع کرده بودی، کاملاً خود را ممنوع کرده بود. از انواع و اقسام گناهان ظاهری و باطنی امتناع داشت. این ممتنع با ممتنع

«وَلَقَدْ ظَمِيَءٌ فِي نَهَارِهَا وَ نَصَبَ فِي لَيْلِهَا»؛ روزها تشنه بود، شبها هم مشغول عبادت بود و بر خود سخت می‌گرفت.

«وَ كَثُرَتْ نَفَقَاتُهُ فِيهَا عَلَى الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ»؛ در این سه ماه نسبت به فقرا و مساکین هر چه توانست، انفاق کرد و به آنان رسیدگی کرد.

«وَ عَظُمَتْ أَيْادِيهِ وَ إِحْسَانُهُ إِلَى عِبَادِكِ»؛ از هیچ نوع کارگشایی و دستگیری و محبت و لطف نسبت به بندگان تو کم نیامد. خیلی رسیدگی‌ها و اعانات و احسان او بزرگ بود. این عظمت، متناسب با امکان و توان و جیب شخص تعریف می‌شود. متناسب با امکانش، رسیدگی‌اش خیلی بزرگ بود. البته دقت کنید که فقرا و مساکین را اول آورد و در مورد دوم همه‌ی بنده‌ها را بیان می‌کند؛

که این بنده‌ی تو در این سه ماه روزه بود. هر چه که توانست روزه‌ی بطنی یعنی روزه‌ی ظاهری گرفت که از خوردن و آشامیدن استنکاف می‌کنیم.

آنها که موفق هستند، هر سه ماه را روزه می‌گیرند و وارد هم شده است. ماه مبارک رمضان که واجب است و به جای خودش. در بین ماه رجب و شعبان، روزه ماه رجب تأکید بیشتر دارد. غرض اینکه فرشتگان شهادت می‌دهند که علاوه بر روزه بطنی، از نظر جنسی هم روزه گرفت و عقیف بود و گوشش هم روزه داشت و حرف‌هایی را که تو نمی‌پسندیدی، اصلاً نشنید و چشمش هم روزه داشت و سایر جوارح او هم روزه بود؛ یعنی از غیر رضای تو خودش را کاملاً حفظ کرده بود و روزه گرفته بود.

یعنی به کوچک و بزرگ و فقیر و غنی هر چه توانست خدمت کرد. «صَحِبَهَا أَكْرَمَ صُحْبَةٍ»؛ با این ماه‌ها خیلی کریمانه رفتار کرد. «وَوَدَّعَهَا أَحْسَنَ تَوْدِيعٍ»؛ تا وقتی بودند خیلی با آنها رفیق بود و هر کدام هم که می‌خواست برود، در وداع غوغا می‌کرد. از استقبال که قبلاً گفتیم و از مصاحبت هم الان گفتیم و حالا از وداع می‌گوید.

از اتمام و انسلاخ این سه ماه، این طور نبود که او از عادات خود برگردد. در این سه ماه کاملاً تمرین کرد و نورانی شد و بعد از خروج از این سه ماه هم محرمات را رعایت می‌کند. برخی این طور هستند که ماه مبارک رمضان رعایت می‌کنند، اما بعد از عید فطر، انگار رُفِعَ القلم شد و کسی که همه‌ی سحرها بیدار بود، حالا تا لنگ ظهر می‌خوابد و همه‌ی نمازهای او لب طلائی می‌شود!

تودیع‌های امام سجاد (علیه السلام) با ماه مبارک رمضان در صحیفه خواندنی است.

ضجه می‌زنند و اشک می‌ریزند و ناله سر می‌دهند.

«أَقَامَ بَعْدَ انْسِلَاخِهَا عَنْهُ عَلِيٌّ طَاعَتِكَ، وَ لَمْ يَهْتِكْ عِنْدَ إِدْبَارِهَا سُتُورَ حُرْمَاتِكَ»؛ بعد

«فَنِعْمَ الْعَبْدُ هَذَا»؛ فرشته‌ها می‌گویند او عجب بنده خوبی بود!

من این روایت را که می‌خواندم، خیلی کیف می‌کردم؛ چراکه به ما نشان می‌دهد شهادت اینها در پیشگاه خدای متعال یعنی اینکه خدا می‌خواهد اینها را به رخ بکشد؛ و گرنه خدای متعال به

شهادت فرشته‌ها و ماه‌ها نیاز ندارد؛ اما صحنه‌آرایی می‌کند برای اینکه بنده‌ی خودش را به رخ بکشد و مطرح کند. [۹] بهشت همین جا است.

اینجا به من و شما گفته نشده که چه کسانی این صحنه‌ی شهادت را می‌بینند و آن هم خودش تماشایی است.

«فَعِنْدَ ذَلِكَ» وقتی این شهادت‌ها تمام شد، «يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَذَا الْعَبْدِ إِلَى الْجَنَّةِ» خدای تعالی امر می‌کند که این بنده مرا بگیرد و او را به بهشت ببرد.

بهشت چهار قدم با شما فاصله دارد. رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، قلب بهشت خدا در دل این جهنم دنیا است. آقا (حفظه الله تعالی) همین تعبیر را داشتند که بهشت خداوند در همین جهنم طبیعت است. حافظ می‌گوید:

در ادامه فرمود: «وَ كَرَمٌ

«سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» [۱۱]
 پروردگارشان شراب طهور به
 آنها می‌نوشاند، در مورد رجبیون
 است. خود خدا ساقی می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «رجب
 ماه استغفار امت من است»؛
 هر چه می‌توانید در این
 ماه استغفار کنید. [۱۲]

ماه رجب را «رجب الاصب»
 نامیده‌اند؛ چون مثل رگبار
 می‌ریزد و مانند بارش
 بهاری است و رحمت خدای
 متعال نازل می‌شود. [۱۳]

امیدواریم ما و شما جزء
 همان‌هایی باشیم که در این
 حدیث نورانی از زبان ماه‌ها
 و فرشته‌ها توصیف شد.

روزی که منادی ندا می‌دهد:
 «أَيْنَ الرَّجِييُونَ؟» ان‌شاءالله ما از

مُنْقَلَبُهُمْ وَ مَمَوَّاهُمْ؛ چه پایان
 گرامی و زیبا و خوبی داشتند.

رجب، ماه خدا

ان‌شاءالله که پیشاپیش بهاری که
 دارد می‌رسد، بر همه‌ی شما
 مبارک باشد. عطر این بهار از
 چند فرسخی اهلش را دیوانه
 کرده و رجبیون الان دیوانه و
 مست هستند. ماه مبارک رمضان

که تمام شد، از روز اول شوال،
 مست عطر رجب هستند.

ماه رجب ماه خود خود
 خود خدا است! شهر الله
 الاعظم! شهر الله الاكبر!

یک روزش را اگر روزه بگیرید،
 خدای متعال از چشمه‌ی
 بهشتی که از شیر سپیدتر
 و از عسل شیرین‌تر است،
 به شما می‌نوشاند. [۱۰]

شهادت در راه خودت ختم بفرما.



منابع و مأخذ

[۱]. فصلت: ۵۳.

[۲]. ق: ۱۱.

[۳]. فاطر: ۹.

[۴]. حج: ۵.

[۵]. نجم: ۳۰.

[۶]. روم: ۷.

[۷]. محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ج ۱، ص ۱۱.

[۸]. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، روایت ۷۴۴۲.

[۹]. دیوان حافظ، غزل شماره‌ی ۳۴۶.

[۱۰]. شیخ صدوق، ثواب الأعمال، ص ۸۲.

[۱۱]. انسان: ۱۳.

کسانی باشیم که بلند می‌شویم و می‌گوییم ما هم بودیم. در روایت دارد که رجیون وقتی از جا بلند می‌شوند، چهره‌هایشان برای اهل محشر مثل ماه می‌درخشد.

خداوندا، با همین رهبر عزیزتر از جان و زیر همین پرچم ما را به محضر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) برسان.

به محمد و آل محمد قَسَمَت می‌دهیم که خبرهای پیروزی پیاپی دوستان حضرت زهرا (سلام الله علیها) را در یمن و لبنان و نیجریه و سراسر عالم به ما برسان و خبر هزیمت دشمنان آن حضرت، یعنی آمریکای جهان‌خوار، انگلیس خبیث، رژیم صهیونیستی، آل سعود ملعون و آل خلیفه‌ی کتیف را به ما برسان.

پایان امر ما را به سعادت

[۱۲]. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار،
ج ۹۴، ص ۳۸.

[۱۳]. همان.



إِنَّ مَنْ عَرَفَ حُرْمَةَ رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ وَ وَصَلَهُمَا بِشَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ
شَهِدَتْ لَهُ هَذِهِ الشُّهُورُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ كَانَ رَجَبٌ وَ شَعْبَانُ وَ شَهْرُ رَمَضَانَ
شُهُودَهُ بِتَعْظِيمِهِ لَهَا» محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ج ۱، ص ۱۱.